

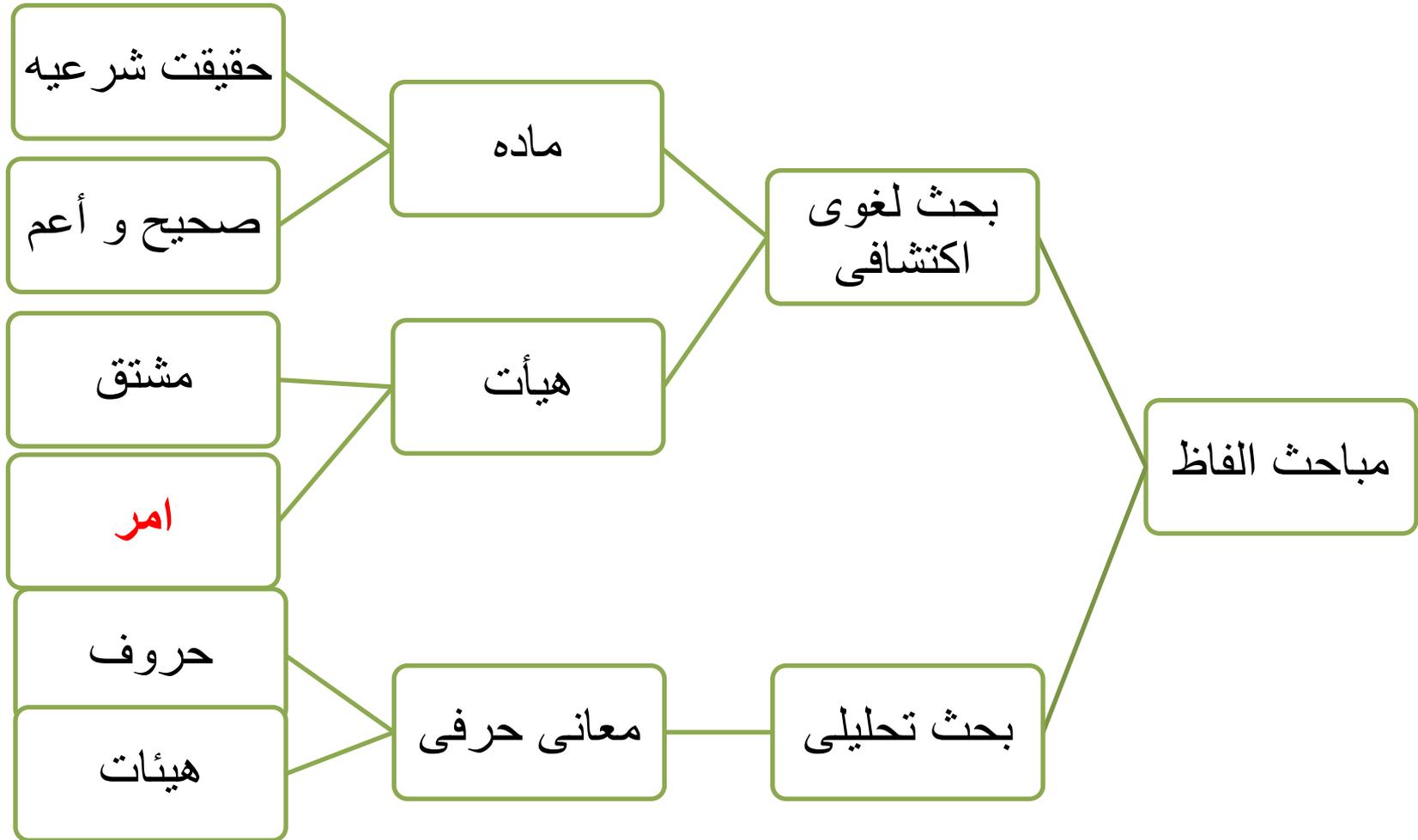
# علم أصول الفقه

٨

اوامر ٢٨-٦-٩٥

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

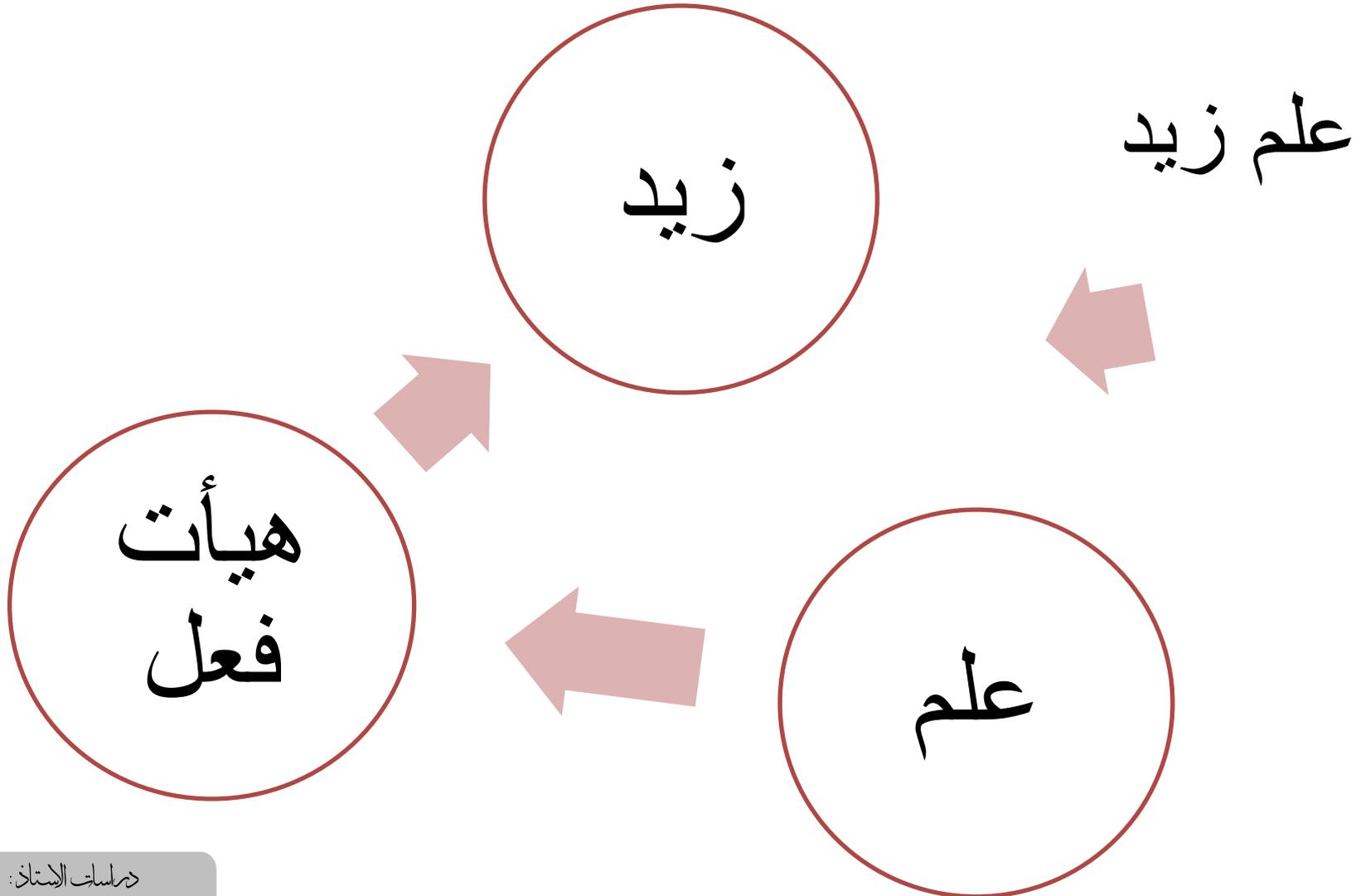
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

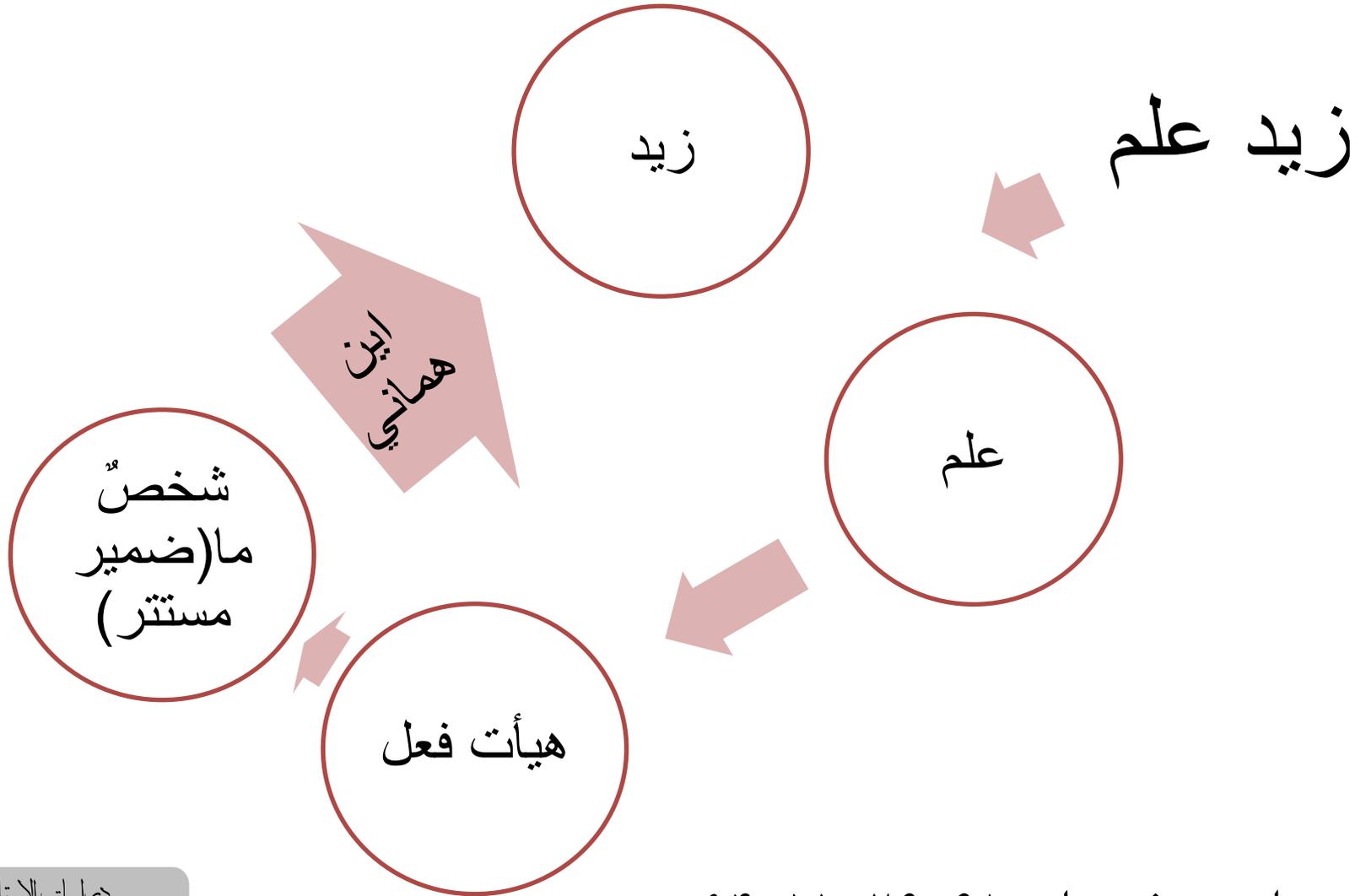


ماده

هيأت

امر





يعلم زيد

زيد

علم

هيات  
فعل (النسبة  
التلبيسية)

إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

علم

هيات  
فعل (النسبة  
الإنشائية  
الإيقاعية)

إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

علم

هیأت  
فعل (النسبة  
الإرسالية)

النسبة  
الإرسالية

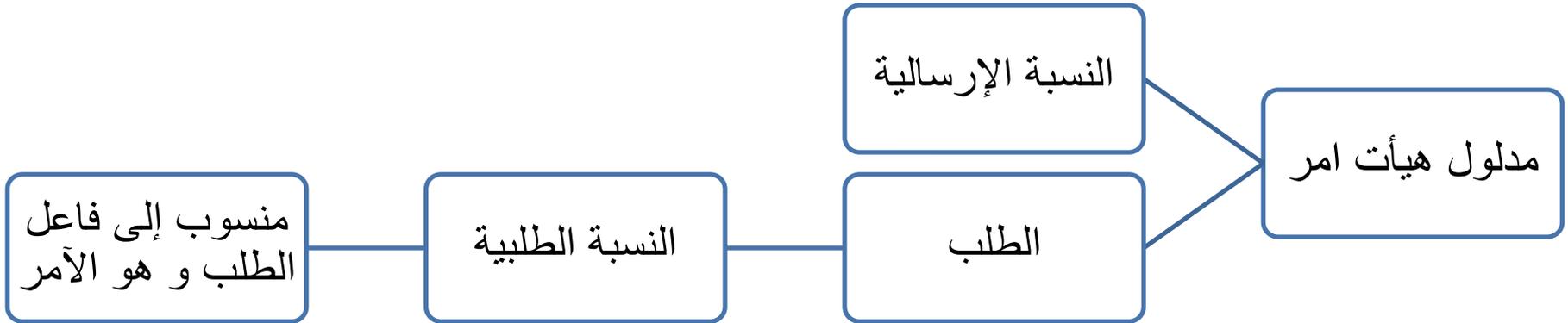
الطلب

مدلول هيأت  
امر

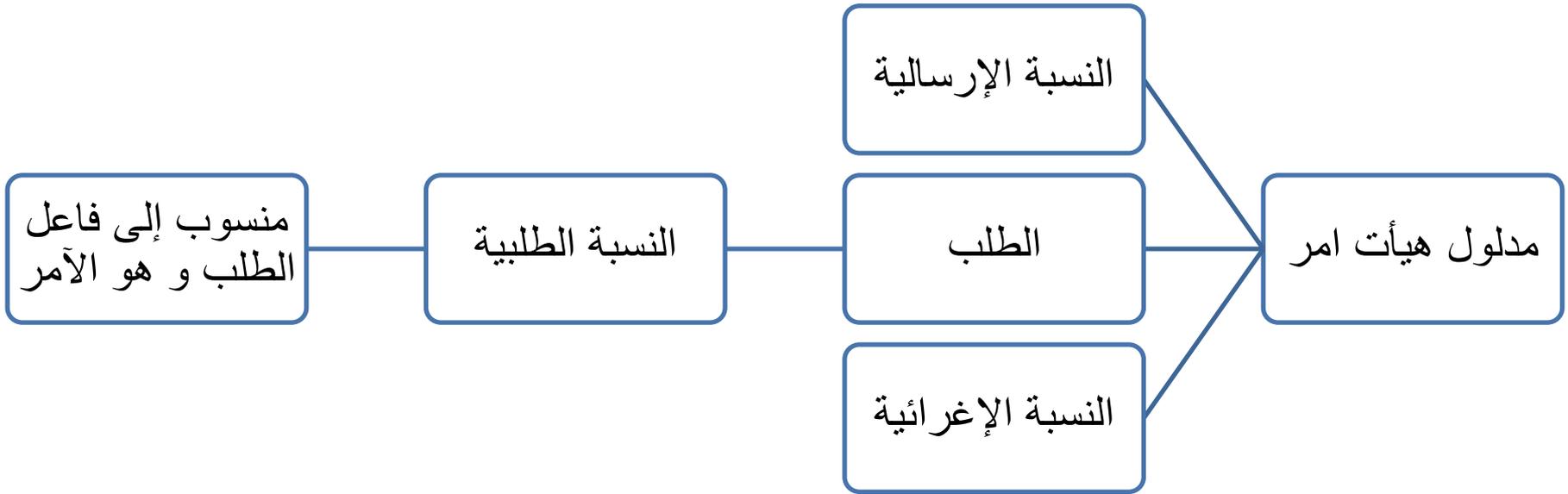
# مدلول هيأت امر



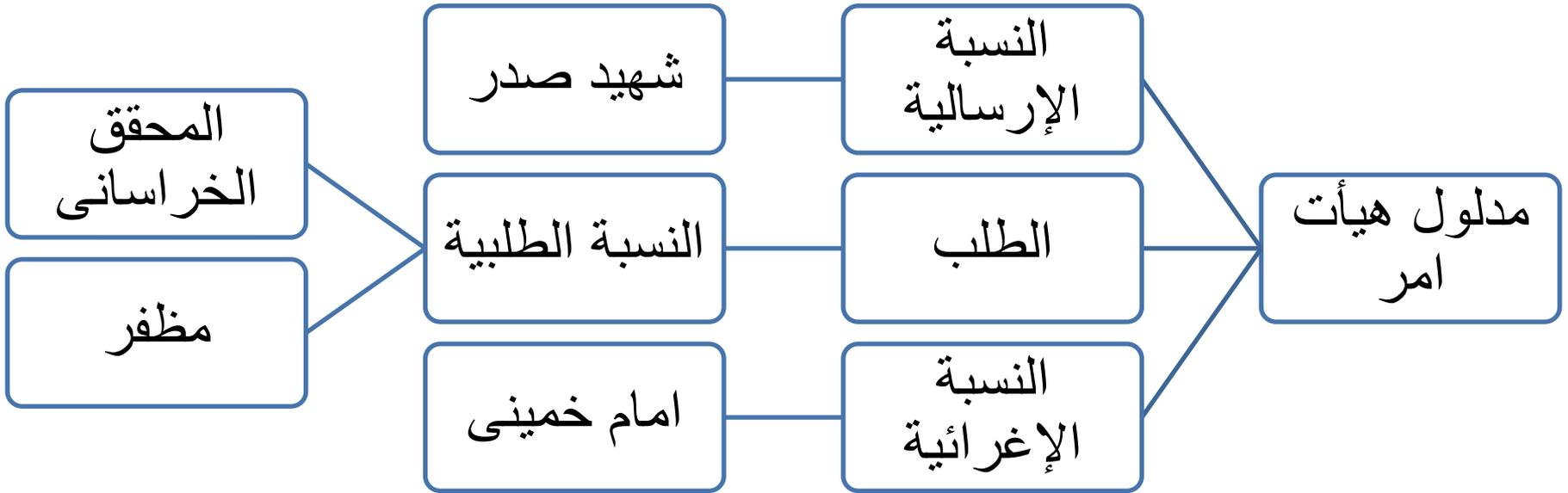
# مدلول هيأت امر



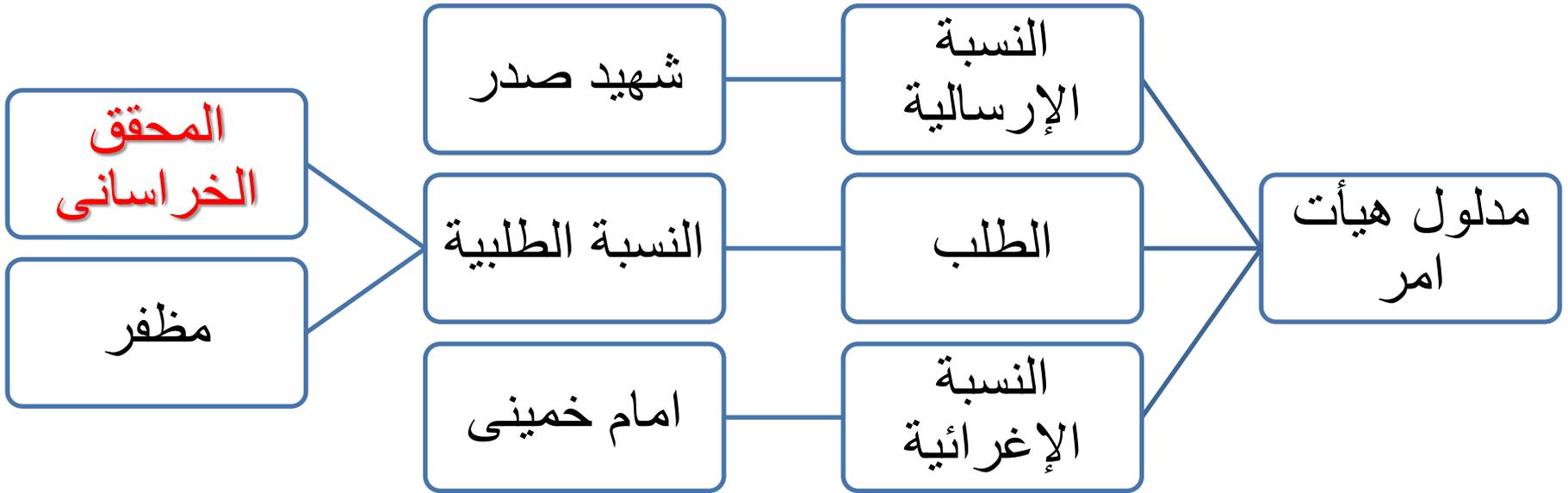
# مدلول هيأت امر



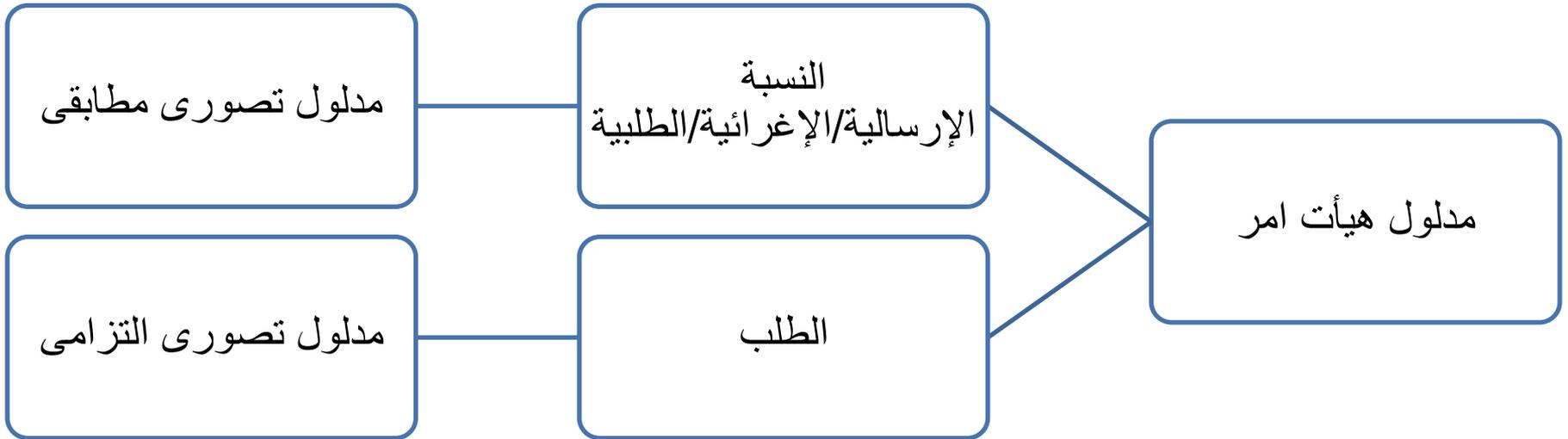
# مدلول هيأت امر



# مدلول هيأت امر



# مدلول هيأت امر



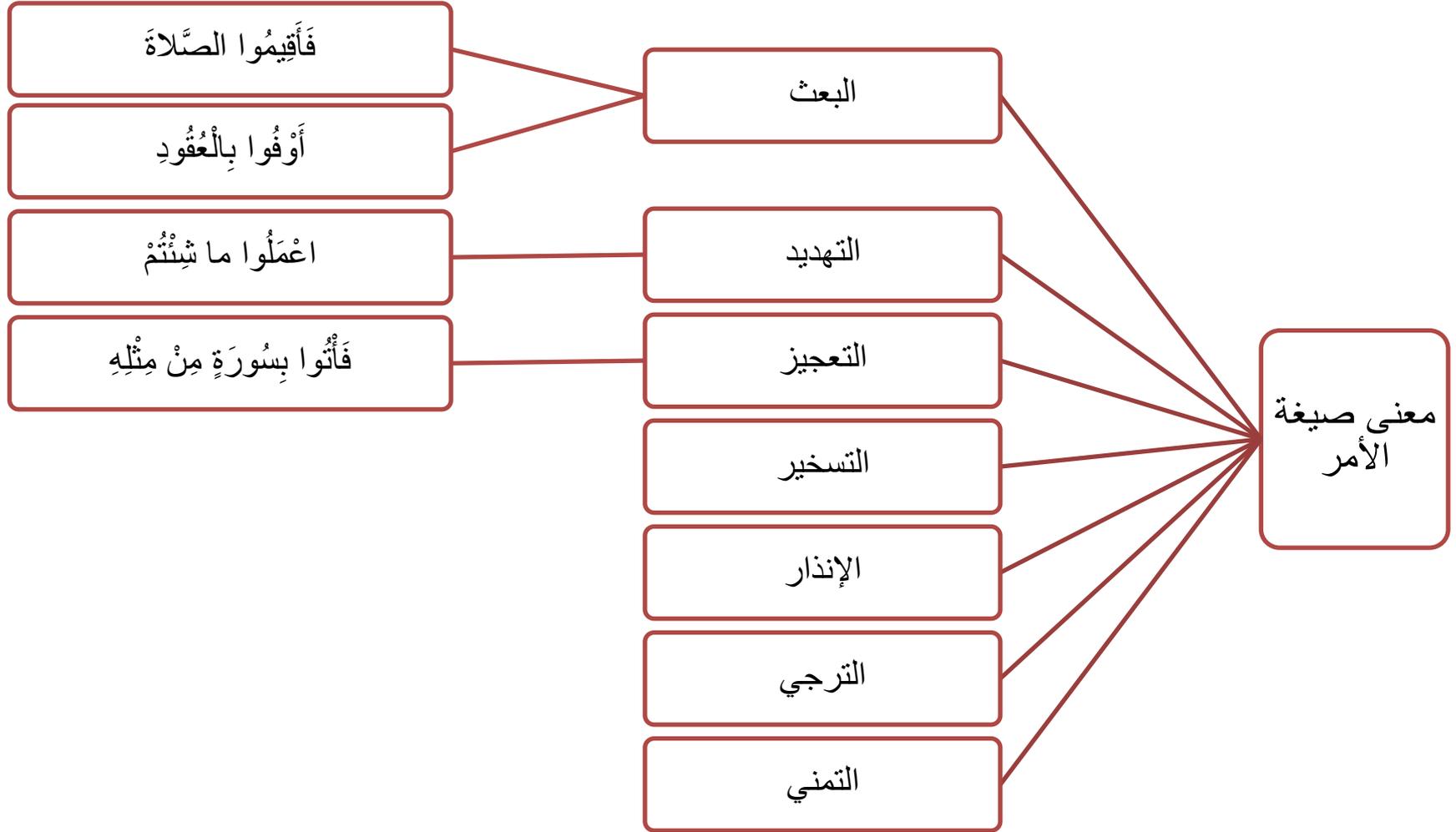
## مدلول هیأت امر

- به عبارت فنی طلب مدلول التزامی آن نسبت ارسالیه است. در واقع دیگران این نسبت طلبیه را دیده‌اند ولی به این نکته دقت نکردند که نمی‌تواند موضوع له هیأت امر (مدلول مطابقی) همین مفهوم طلب هرچند طلب حرفی باشد.

## مدلول هیأت امر

- مدلول مطابقی این دو نوع بیان با هم متفاوت هستند؛ هر چند ممکن مدلول التزامی آن دو جمله **با** مدلول مطابقی جمله سوم یکسان باشد.
- بنابراین علت اینکه ما نسبت ارسالیه را بر نسبت طلبیه ترجیح دادیم، متبادر بودن نسبت ارسالیه است.

# استعمال هيأت امر در غير طلب



## مدلول هيات امر

- المبحث الثاني صيغة الأمر
- ١ معنى صيغة الأمر

## مدلول هيات امر

- صيغة الأمر أى هيئته كصيغة افعال و نحوها [١] تستعمل فى موارد كثيرة منها البعث كقوله تعالى فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ \* أَوْفُوا بِالْعُقُودِ و منها التهديد كقوله تعالى اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ. و منها التعجيز كقوله تعالى فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ. و غير ذلك من التسخير و الإنذار و الترجى و التمنى و نحوها

## مدلول هيات امر

- و لكن الظاهر أن الهيئة في جميع هذه المعاني استعملت في معنى واحد لكن ليس هو واحدا من هذه المعاني لأن الهيئة مثل افعال شأنها شأن الهيئات الأخرى وضعت لإفادة نسبة خاصة بالحروف و لم توضع لإفادة معان مستقلة فلا يصح أن يراد منها مفاهيم هذه المعاني المذكورة التي هي معان اسمية. و عليه فالحق أنها موضوعة للنسبة الخاصة القائمة بين المتكلم و المخاطب و المادة و المقصود من المادة الحدث الذي وقع عليه مفاد الهيئة مثل الضرب و القيام و القعود في اضراب و قم و اقعد و نحو ذلك و حينئذ ينتزع منها عنوان طالب و مطلوب منه و مطلوب.

## مدلول هيات امر

- فقولنا اضرب يدل على النسبة الطلبية بين الضرب و المتكلم و المخاطب و معنى ذلك جعل الضرب على عهدة المخاطب و بعثه نحوه و تحريكه إليه و جعل الداعى فى نفسه للفعلى.
- و على هذا فمدلول هيئة الأمر و مفادها هو النسبة الطلبية و إن شئت فسمها النسبة البعثية لغرض إبراز جعل المأمور به أى المطلوب فى عهدة المخاطب و جعل الداعى فى نفسه و تحريكه و بعثه نحوه ما شئت فعبر
- غير أن هذا الجعل أو الإنشاء يختلف فيه الداعى له من قبل المتكلم فتارة يكون الداعى له هو البعث الحقيقى و جعل الداعى فى نفس المخاطب لفعلى المأمور به فىكون هذا الإنشاء حينئذ مصداقا للبعث و التحريك و جعل الداعى أو إن شئت فقل يكون مصداقا للطلب فإن المقصود واحد و أخرى يكون الداعى له هو التهديد فىكون مصداقا للتهديد و يكون تهديدا بالحمل الشائع و ثالثة يكون الداعى له هو التعجيز فىكون مصداقا للتعجيز و تعجيزا بالحمل الشائع و هكذا فى باقى المعانى المذكورة و غيرها.

## مدلول هيات امر

- و إلى هنا يتجلى ما نريد أن نوضحه فإننا نريد أن نقول بنص العبارة إن البعث أو التهديد أو التعجيز أو نحوها ليست هي معاني لهيئة الأمر قد استعملت في مفاهيمها كما ظنه القوم لا معاني حقيقية و لا مجازية.
- بل الحق أن المنشأ بها ليس إلا النسبة الطلبية الخاصة و هذا الإنشاء يكون مصداقا لأحد هذه الأمور باختلاف الدواعي فيكون تارة بعثا بالحمل الشائع و أخرى تهديدا بالحمل الشائع و هكذا لا أن هذه المفاهيم مدلولة للهيئة و منشأة بها حتى مفهوم البعث و الطلب.

## مدلول هيات امر

- و الاختلاط فى الوهم بين المفهوم و المصداق هو الذى جعل أولئك يظنون أن هذه الأمور مفاهيم لهيئة الأمر و قد استعملت فيها استعمال اللفظ فى معناه حتى اختلفوا فى أنه أيها المعنى الحقيقى الموضوع له الهيئة و أيها المعنى المجازى

# استعمال هیأت امر در غیر طلب

- استعمال هیأت امر در غیر طلب
- در برخی از موارد امر برای غیر طلب استفاده شده است؛ مثلاً گاهی برای اینکه نشان دهیم کسی کاری را نمی‌تواند انجام دهد، می‌گوییم: «انجام بده». می‌گوییم: «بپر» ولی می‌دانیم که وی جرأت یا توان پریدن را ندارد. با این امر می‌خواهیم نشان دهیم تو نمی‌توانی. در اصطلاح این امر برای تعجیز است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- اگر به معالم مراجعه کنید پانزده استعمال دیگر برای امر آورده است که به نظر ما هیچ محدودیتی از این جهت ندارد و بسته به موقعیت‌های مختلف می‌تواند این استعمالات بیشتر هم شود. آیا معنای این کاربردها آن است که واقعاً امر در تعجیز و امثال آن استعمال شده است؟ یا نه امر در تمام این موارد در همان معنای موضوع له خودش استعمال شده است و حداکثر آن است که مراد جدی متکلم تعجیز و غیر آن بوده است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- شهید صدر - رضوان الله علیه - و دیگران جواب داده‌اند که امر در تمام موارد استعمالش در همان معنای خودش به کار می‌رود؛ چون مدلول تصویری اصلاً تابع اراده نیست، بلکه از وضع نشأت می‌گیرد و وضع هیأت امر برای نسبت ارسالیه و بعثیه است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- مدلول التزامی آن یعنی طلب هم همواره تحقق دارد؛ مگر درجایی که گوینده توانایی طلب را ندارد مثل لافظ غیر ذی شعور؛ زیرا اینکه «گوینده سخن طلب دارد» یک مدلول تصدیقی است و این نوع مدلول در غیر لافظ ذی شعور معنا دار نیست.
- اما اینکه طلب به چه انگیزه‌ای بوده است، آیا مراد جدی بوده یا تعجیر و امثال آن، در مرحله مراد جدی از مراحل مدلول تصدیقی است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- هر چند هیأت امر استعمالات متفاوتی دارد، در جایی که قرینه‌ای بر تعجیز، استهزاء و امثال این معانی وجود نداشته باشد، طلب را می‌فهمیم.
- چرا چنین فهمی از صیغه امر داریم؟
- آیا این طلب جزء موضوع له است یا قید وضع هیأت است؟

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- ۱. دیدگاه مرحوم آخوند
- مرحوم آخوند فرموده است جزء موضوع له نیست اما قید وضع است؛ یعنی هیأت امر در فرضی که انگیزه مولا طلب مأمور به باشد، برای موضوع له اش وضع شده است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- اشکال شهید صدر بر مرحوم آخوند

- ایشان بر این بیان مرحوم آخوند یک اشکال مبنائی می کنند که اصل تقیید وضع قابل قبول نیست و در واقع قید وضع به تقیید موضوع له برمی گردد. چیزی را فقط قید وضع باشد و قید موضوع له نباشد، نمی توان پذیرفت.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- یک اشکال بنائی هم وارد است بدین صورت که اگر بپذیریم «به انگیزه طلب بودن» قید وضع است، در جایی که داعی گوینده از امر طلب نیست، اصلاً هیأت امر برای این معنا وضع نشده است؛ چون ایشان فرض می‌کند که خود وضع قیدی دارد که اگر آن قید محقق نباشد، اصلاً وضعی در کار نیست. نتیجه این خواهد بود که اصلاً امر در موارد تعجیز یا استهزاء و ... برای معنایی وضع نشده است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- ممکن است شما جواب بدهید که شاید مرحوم آخوند می خواهد بگوید که وضع امر دارای قیود متعددی است به این معنا که در موارد طلب، قید وضع طلب است و در موارد تعجیز، قید وضع تعجیز است و همین طور.
- در واقع امر در همه جا برای معنای موضوع له خود وضع شده است اما یک بار به قید داعی طلب است و بار دیگر به قید داعی تعجیز و ...

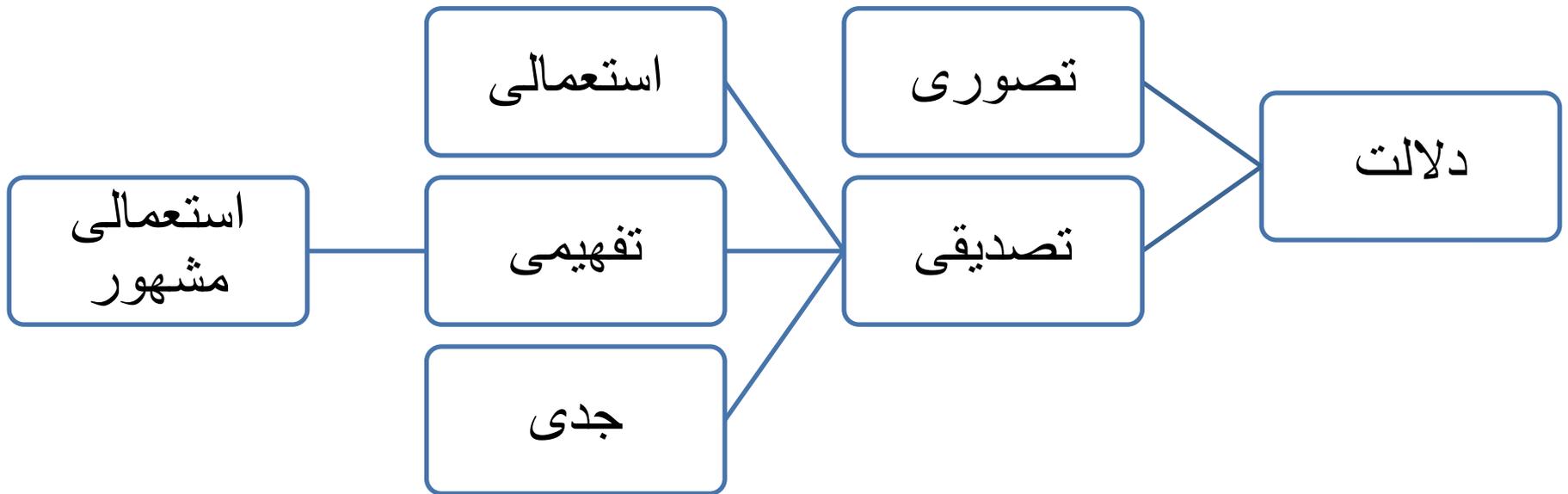
## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- اگر مقصود مرحوم آخوند این باشد، چگونه می تواند بگوید وقتی امر بدون قرینه باشد، ما طلب را می فهمیم در حالی که طبق این تفسیر شما از کلام آخوند تعجیز و استهزاء و امثالهم در عرض طلب قرار می گیرند.
- بنابراین ظاهر سخن مرحوم آخوند همان است که هیأت امر وضع شده برای معنای موضوع له اش البته این خود وضع مقید به داعی طلب است.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- ۲. دیدگاه شهید صدر
- ایشان در پاسخ سؤال اصلی بحث دو جواب داده اند:

## تقسيم شهيد صدر



## استعمال هیأت امر در غیر طلب

• جواب اول

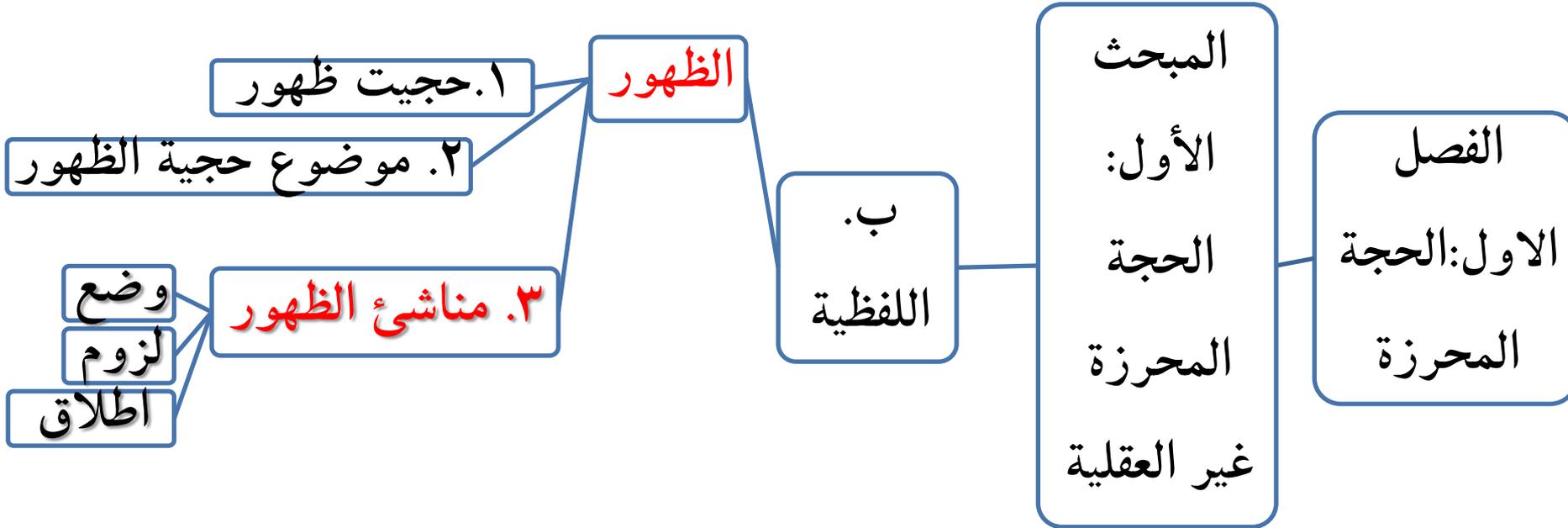
- می فرمایند اینکه از امر داعی طلب را می فهمیم علی القاعده است؛ زیرا توضیح دادیم هیأت امر برای نسبت بعثیه، ارسالیه یا دفعیه وضع شده است. لازمه این معنای موضوع له معنای طلب است. مدلول مطابقی و مدلول التزامی جزء مدالیل تصویری هستند. از اینجا به بعد مدالیل تصدیقی شروع می شود.

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- ما بر اساس یک مجموعه قواعد عقلائی مدالیل تصدیقی را بدست می آوریم. مهم ترین این قواعد قاعده‌ای است با عنوان «اصل تطابق مدلول تصدیقی با مدلول تصویری». طبق این قاعده، وقتی گوینده‌ای لفظی را به کار می برد که یک مدلول تصویری دارد و نمی دانیم مدلول تصدیقی آن همین مدلول تصویری است یا غیر از آن را اراده کرده است، آن قاعده عقلائی می گوید اصل آن است که مدلول تصدیقی مطابق با همان مدلول تصویری است.

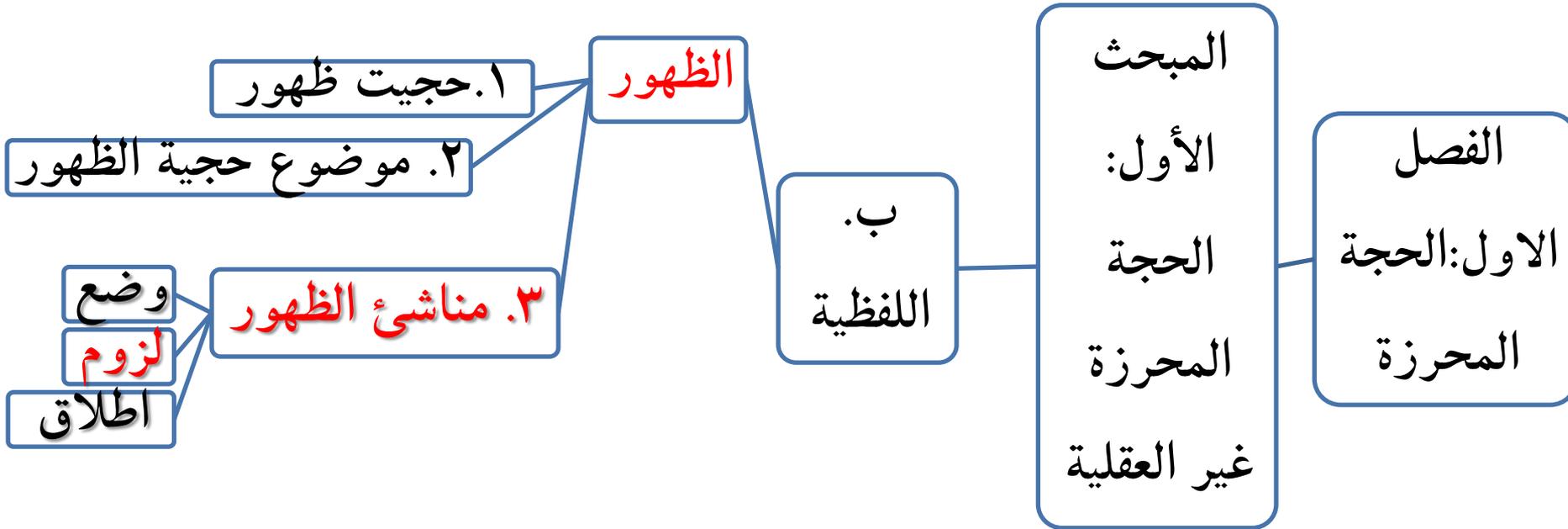
## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- برای توضیح این بیان به عنوان مقدمه باید دانست مدلول تصدیقی به سه گونه تقسیم می‌شود:
- ۱. مدلول استعمالی. معنایی که لفظ در آن استعمال می‌شود به جهت آنکه صلاحیت دلالت بر آن معنا را دارد.
- بنابراین اگر معنا به گونه‌ای باشد که لفظ هیچ صلاحیتی برای دلالت بر آن را نداشته باشد، این استعمال غلط خواهد بود؛ مثلاً نمی‌توان لفظ «در» برای فهماندن معنای آب به کار برد.



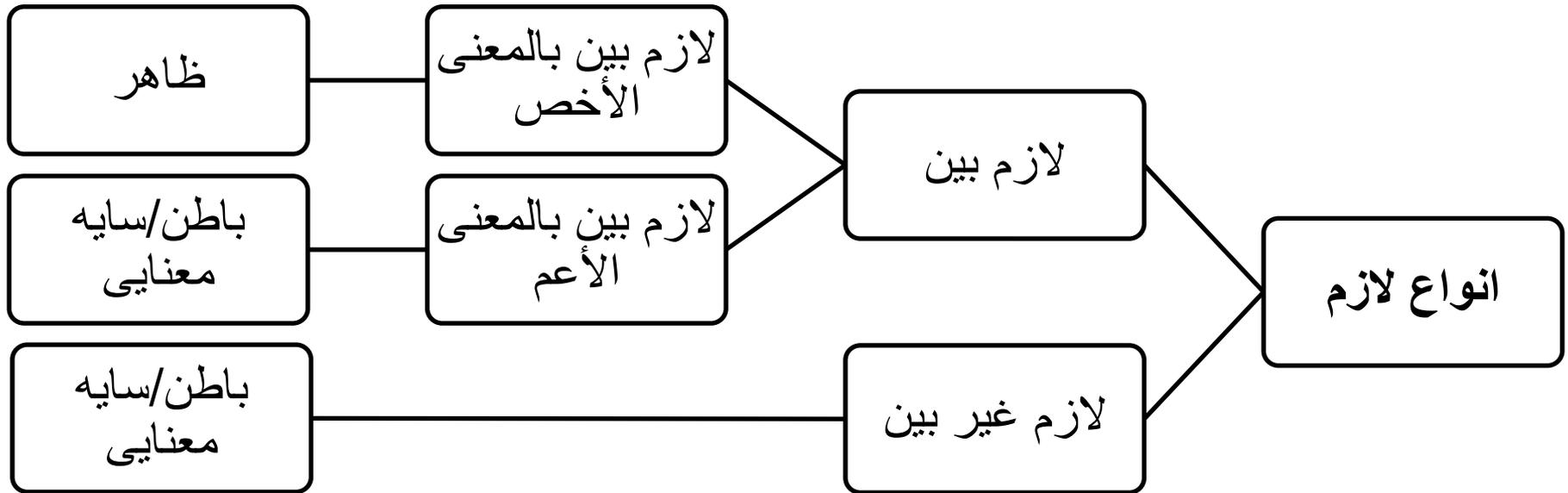
جلسه ٧٥ ١٧-١-٩٤ ظهور





جلسه ٧٥ ١٧-١-٩٤ ظهور

# لزوم یکی از مناشیء ظهور



جلسه ۷۵ ۱۷-۱-۹۴ ظهور

استعمال  
مجازی

تصور لفظ

تصور معنای  
موضوع له

تصور لازم بین  
بالمعنى الأخص  
معنای موضوع له  
**قرینه صارفه**

جلسه ۷۵ ۱۷-۱-۹۴ ظهور

# وضع یکی از مناشیء ظهور



جلسه ۷۵ ۱۷-۱-۹۴ ظهور

## استعمال هیأت امر در غیر طلب

- لفظ در درجۀ اول صلاحیت دلالت بر معنایی را دارد که برای آن وضع شده است.
- در درجۀ بعد صلاحیت دلالت بر معنایی را دارد که برای آنها وضع نشده اما آن معانی با معنای موضوع له ارتباط دارند.